



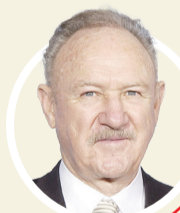
### حجاب محدود به زنان نیست

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره بخش عفاف و حجاب نمایشگاه قرآن و وظیفه این بخش گفت: «به نظر می‌رسد که بایستی کارهای فرهنگی و ایجابی را در این حوزه گسترده کرد؛ چه این که مقوله عفاف و حجاب ذاتاً امری فرهنگی است و بایستی از این دریچه بیشتر به آن پرداخت و دست‌اندرکاران این بخش نمایشگاه قرآن، چنین همتی داشته‌اند.» تسنیم ضمن اشاره به این خبر نوشت، صالحی خاطرنشان کرد: «مسئله حجاب را نباید بایستی محدود به زنان دانست بلکه امری عام‌تر است و مردان همچون زنان مکلف به آن هستند.» او با تأکید بر این که مقصود از حجاب فقط پوشش نیست، گفت: «حجاب فقط مربوط به پوشش نیست بلکه دامنه‌های گسترده‌تری را هم از قبیل حجاب زبانی و حجاب رفتاری در برمی‌گیرد. متأسفانه بخش قابل توجهی از مردان در جامعه سنتی و جدید از حجاب زبانی و رفتاری درست برخوردار نیستند و با زبان و رفتار ناپسندشان، برای زنان نامنی روانی ایجاد می‌کنند اما ما با این گروه‌های زن‌آزار برخورد قاطعی نمی‌کنیم.»



### آسیب به تابلو پیکاسو

یکی از آثار پابلو پیکاسو نقاش سرشناس فرانسوی، در موزه هنرهای معاصر ایران حین مرمت غیراصولی آسیب دید. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، گزارش‌ها از موزه هنرهای معاصر تهران حاکی از آن است که روند مرمت برخی آثار ارزشمند بدون حضور متخصصان معتبر و با روش‌های غیرعلمی انجام شده است. همچنین دو منبع به خبرنگار تجسمی فارس گفته‌اند، یکی از آثار بسیار فاخر پیکاسو در حین مرمت غیراصولی آسیب دیده است. تابلوهای نقاشی پیکاسو از جمله «نقاش و مدلس»، «پنجره‌ای باز رو به خیابان پانتیپور» و «زنی که می‌گرید» از جمله گران‌قیمت‌ترین آثار موزه هنرهای معاصر بوده که پیش‌تر هم تعدادی از آن‌ها مورد مرمت قرار گرفته‌اند. کارشناسان هشدار می‌دهند که چنین مداخلاتی می‌تواند به تخریب جبران‌ناپذیر آثار هنری منجر شود. این در حالی است که موزه هنرهای معاصر ایران، یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های هنر مدرن خارج از اروپا و آمریکا را در اختیار دارد.



### علت مرگ هکمن و همسرش

پزشکی قانونی دفتر تحقیقات پزشکی نیومکزیکو در یک نشست خبری جدیدترین جزئیات از دلیل مرگ جین هکمن، بازیگر برنده اسکار و همسرش بنسی آراکاوا را اعلام کرد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، هدر جارل، پزشک ارشد پزشکی قانونی دفتر تحقیقات پزشکی نیومکزیکو اعلام کرد، جین هکمن احتمالاً حدود یک هفته پس از همسرش، بنسی آراکاوا - بر اثر هانتاویروس درگذشته بود - فوت کرده است. هکمن بر اثر بیماری قلبی - عروقی درگذشته و بیماری آلزایمر نیز به‌عنوان عامل مؤثر در مرگ او شناخته شد. آراکاوا احتمالاً حدود یک‌هفته زودتر - در ۱۱ فوریه - بر اثر هانتاویروس درگذشت. این ویروس که از طریق چوندگان منتقل می‌شود، می‌تواند کشنده باشد. هر دو مرگ تحت عنوان علل طبیعی طبقه‌بندی شده‌اند که شامل بیماری‌های قلبی، سکته، سرطان، نارسایی تنفسی، عفونت‌ها و عوارض مرتبط با سن می‌شود. جسد هکمن ۹۵ ساله و آراکاوا ۶۵ ساله، ۲۶ فوریه در خانه‌شان پیدا شدند.

### گزارش تئاتر



# تن ندادن يك مرد مستأصل

فارس باقری با واسازی متن مروژک، به جای ظرفیت‌های هولناک نظام‌های توتالیتر به درماندگی توأم با استقامت انسان زیر سایه این نظام‌ها پرداخته است

تکمیل: ایران‌تئاتر



نرگس کیانی  
خبرنگار گروه فرهنگ

مرتضی حسین‌زاده که این شب‌ها نقش پیوتر اووه را در سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر بازی می‌کند، مردی مضحک و خنده‌دار نیست، اگر چه در موقعیتی عمیقاً مضحک و خنده‌دار گرفتار شده است. آدم‌هایی؛ از مامور مالیات تا یک دانشمند، مدیر یک سیرک و منشی یک وزارتخانه، ناگهان سر و کله‌شان در خانه او پیدا شده است و مدعی‌اند که بهترین برنامه را برای بیشترین استفاده از حضور ببری دارند که در حمام خانه پیوتر اووه لانه کرده است. اووه اما در این موقعیت مضحک و خنده‌دار، عمیقاً همدلی برانگیز است و حیرانی و بعدتر استیصال و مقاومت‌اش برای تن ندادن، قابل درک. با این حساب آن‌چه اسلاومیر مروژک در «شهادت پیوتر اووه» می‌کند، با آن‌چه فارس باقری؛ نویسنده و کارگردان تئاتر به‌نام «پیوتر اووه» روی صحنه برده، متفاوت است. اگر مروژک می‌کوشد ظرفیت‌های پنهان نظام‌های توتالیتر بستی را در حقیقت کردن چیزی که وجود ندارد و توان‌شان در ساخت توهم‌های ذهنی را نشان دهد، فارس باقری انسانی حیران و مستأصل را در برابر این وضعیت به تصویر می‌کشد. انسانی که در دوگانه انتخاب میان تن دادن به آن‌چه برایش ساخته‌وپرداخته‌اند و سرپا زدن از پذیرش آن، راه دوم را انتخاب می‌کند. باقری که آخرین بار ۱۲ سال پیش نمایش «دهانی پر از پرند» را در مقام نویسنده و کارگردان روی صحنه داشت، از چهار سال پیش قصد کرد روایت خود



را از نمایشنامه مروژک اجرا کند؛ سال‌هایی که به همه‌گیری کرونا و بعدتر اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ گذشت. این مدرس دانشگاه، پژوهشگر و منتقد تئاتر سرانجام توانست از ۲۱ بهمن ماه در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برود. هرچند دو اجرایی بودن این روزهای چهارسوی زمانی تنها حدود نیم‌ساعت میان اجرای «پیوتر اووه» با «دره»، شرایط دشواری را برای هر دو گروه ایجاد کرده است.

▼ **باز نویسی نمایشنامه‌ای از مروژک و تغییر مسئله اصلی**  
«پیوتر اووه» ای را که این روزها روی صحنه تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر است، می‌توان به‌یادماندنی‌ترین اجرایی دانست که تاکنون از این نمایشنامه در ایران روی صحنه رفته است. از سال ۱۳۸۲ که ترجمه نمایشنامه «شهادت پیوتر اووه»، نوشته اسلاومیر مروژک، با ترجمه محمدرضا خاکی در دسترس خوانندگان ایرانی قرار گرفت، کارگردانان بسیاری برای روی صحنه بردن‌اش خیز برداشتند. «پیوتر اووه» به‌دراماتورژی و کارگردانی فارس باقری اما به‌واسطه «گسترش ظرفیت‌های اجرایی نمایشنامه و فضاسازی متفاوت، یا آن‌طور که کارگردانش می‌گوید، به‌واسطه «واسازی‌های انجام شده در متن مروژک»، به یادماندنی‌ترین یاد دست یک‌یک از به‌یادماندنی‌ترین‌های‌شان است. فارس باقری اجرایی را که هم‌اکنون روی صحنه دارد ۱۰ درصد از متن مروژک می‌داند. او اشاره می‌کند که متن را از نوشته است و این نکته را احتمالاً کسانی بیشتر متوجه می‌شوند که نمایشنامه را خوانده باشند. یکی از تغییرات در متن از نو نوشته شده، شخصیتی است اضافه‌شده و دیگری پایان‌بندی به‌کل تغییر داده شده، همچنین تبدیل شدن

پیوتر اووه از مردی معمولی در حال روزنامه‌خواندن به نویسنده‌ای تازه از زندان آزاده شده. سرانجام؛ فرقی که «حقیقت کردن ادعای وجود یک ببر در حمام خانه» به یک مرد معمولی با یک نویسنده زیر فشار سانسور دارد. برای همین‌ها و خیلی چیزهای دیگر، فارس باقری آن‌چه را انجام داده است، نه صرفاً دراماتورژی که بازنویسی متن می‌داند. او «شهادت پیوتر اووه» را در همان بدو انتشار خوانده بود و جهان دوسویه آن زیر سایه وجه سیاسی غالب‌اش از جمله چیزهایی بود که هنگام بازنویسی کنارشان گذاشت. او داستان نمایشنامه «شهادت پیوتر اووه» را به یک موقعیت نمایشی تبدیل کرد و داستان‌گویی سراسر تفصیلی آن را به موقعیتی برای کاراکترها تغییر داد. او نمایی خواست آدم‌های داستان به‌رغم وجه نمادگراییه بزرگ‌شان، روی صحنه به شکل نماد دیده شوند. باقری کاراکتر اصلی را از متن جدا کرد و عنوان به شخصیتی در تعارض با نهاد جامعه‌نشان داد. هیچ‌کدام از این تغییرات اما در تمرینات ایجاد نشد و فارس باقری تمرین را با متنی بازنویسی شده شروع کرد. تمرینی پنج‌ماهه و مداوم با بازیگرانی که متن بازنویسی شده زیر دست‌شان چکش کاری شد.

### انسانی مستأصل به جای هژمونی توتالیتر اسیب

او در پاسخ به چگونگی شکل‌گیری مجموع تغییرات رخ داده در متن مروژک، به «تغییر فرض‌های متن» اشاره می‌کند. باقری از این می‌گوید که می‌خواسته به‌جای یک انسان عادی، نویسنده‌ای را بگذارد که کاپوس‌هایش از زندگی و تخیل‌های هولناکش را تبدیل به واقعیت می‌کند. در پی تغییر فرض موجود در مورد شخصیت اصلی، همه‌عناصر نمایشنامه شروع به تغییر می‌کنند. در واقع اگر چه یک جزء

## شما لوطی شهرید و ما انترتان

مهرداد کورش‌نیا زوایی از قانون موسوم به «کشف حجاب» را در فضایی مینیمال روی صحنه برده است

دانش‌سرای مقدماتی ببرد.

### روایتی مینیمال از یک واقعه تاریخی

ایده اولیه «تارتف» اواسط دهه ۸۰ در ذهن مهرداد کورش‌نیا شکل گرفت. او ایده ساخت روایت‌هایی نمایشی براساس وقایع تاریخی بااهمیت معاصر را از سال‌های ۸۶-۸۵ در ذهن داشت. از جمله این وقایع تاریخی، تصویب قانون موسوم به «قانون کشف حجاب» در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ و تأثیر نهایی آن بر شکل‌گیری شهر نو و ارتباط این دو با یکدیگر بود. کورش‌نیا از همان زمان به‌شکلی آهسته‌وپیوسته شروع به گردآوری اطلاعات در این مورد کرد. او این اطلاعات را از طریق تماشای فیلم و مطالعه کتاب در کنار انجام مصاحبه با زنده‌یادانی چون عباس منظرپور و جعفر والی به‌دست آورد. برخی از فیلم‌هایی که او برای این منظور دید، شاید در ابتدا آثار مرتبطی به‌نظر نیایند، از جمله «بانوی زیبای من» اما تأثیر ناخودآگاه خود را هنگام فضاسازی و دیالوگ‌نویسی بر ذهن این نویسنده و کارگردان تئاتر گذاشتند. او در گفت‌وگو با هم‌میهن، از میان کتاب‌هایی که مطالعه و فیش‌برداری کرد نیز به «طوطی» زکریا هاشمی و آثار جعفر شهری اشاره می‌کند. کورش‌نیا نمی‌خواست این واقعه تاریخی را که حائز ویژگی‌هایی جهان‌شمول می‌دانش به تعجیل روی صحنه بیاورد. آن‌چه این نویسنده و کارگردان تئاتر به دنبالش بود طراحی



قصه‌ای با آغاز، میانه و پایانی مشخص بود. قصه‌ای با دو بازیگر که به لحاظ زمان نمایشی؛ طی یک روز و به لحاظ مکان نمایشی؛ تنها در یک فضا، روایت شود. شیوه‌ای که کورش‌نیا انتخاب آن را حاصل نگاه و سلیقه هنرمند می‌داند و برای روشن‌تر شدن مسئله تفاوت در نوع نگاه به موضوعی واحد، از دو فیلم سینمایی در مورد جنگ مثال می‌زند؛ یکی «دشمن پشت دروازه‌ها» و دیگری «سرزمین کس». او این نکته را که مضمون مورد نظر کارگردان در قالب اثری بیگ‌پروداکشن به تصویر کشیده شود یا در فضایی مینیمال روایت شود، امری سلیقه‌ای برمی‌شمارد. هرچند نویسنده و کارگردان «تارتف»، برای روایت اثرش در فضایی مینیمال دلیل دیگری هم دارد؛ جست‌وجوی راهی برای حفظ حیات تئاتر مستقل.

### راهی برای حفظ حیات تئاتر مستقل

مهرداد کورش‌نیا معتقد است، شیوه‌ای که برای اجرای «تارتف» انتخاب کرده، شیوه‌ای است که در شرایط کنونی تئاتر، می‌توان به چشم راه‌حل به آن نگریست. او با اشاره به فشارهای ناشی از شرایط اقتصادی و تأثیر ناگزیر آن بر شیوه تولید هر اثر هنری از جمله تئاتر، بر نکته‌ای مهم تأکید می‌کند. اینکه اگر هنرمندی می‌خواهد بر وجه هنری اثرش متمرکز باشد و به‌نفع تأمین نیازهای اقتصادی تولید آن باج ندهد، ناگزیر است چنین کند. ناگزیر است روی به سوی تولید آثاری جمع‌وجورتر با تعداد پرسوناژ کمتر ولو کم‌بهره‌تر بیاورد. آثاری که با هزینه‌ای پایین در سالن‌های گوناگون قابل اجرا باشند. کورش‌نیا معتقد است، با این شیوه می‌توان از نگرانی‌های پروسه تولید کاست و بر کیفیت اثر متمرکز شد. در واقع می‌توان کار کرد بدون اینکه باج داد و ناگزیر شد به هر شکل و شیوه‌ای، تهیه‌کننده را ترغیب به سرمایه‌گذاری و مخاطب را ترغیب به حضور در سالن کرد. او با اشاره به یکی از تعاریف هوش در روانشناسی؛ فعالیت ذهنی در جهت سازگاری هدفمند با محیط، انتخاب این شیوه رانش از به‌خرج دادن هوشمندی می‌داند. هوشمندی